



وضعیت آموزش قضایی در هند - قسمت هفتم

حقوق :: نشریه فتاوت :: فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹ - شماره ۶۳

صفحات : از ۵۸ تا ۶۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/796603>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- وضعیت آموزش قضایی در هند - قسمت هشتم
- خارجی: وضعیت آموزش قضایی در هند
- خارجی: وضعیت آموزش قضایی در هند
- وضعیت آموزش قضایی در هند (۱)
- وضعیت آموزش قضایی در هند
- وضعیت آموزش قضایی در هند
- خارجی: وضعیت آموزش قضایی در هند
- خارجی: وضعیت آموزش قضایی در هند
- آموزش: گفتمان تئاتر تعلیمی (بخش هفتم) تئاتر، تبلیغات و آموزش در دهه ی ۱۹۳۰ (قسمت دوم) تئاتر کارگری در امریکا و بریتانیا
- تاریخ شعر فارسی در هند و پاکستان (قسمت هفتم)

وضعیت آموزش قضایی در هند

قسمت هفتم



که در مذاکرات شورای موسسان پیش‌بینی شده و با مطالعات موردی راجع به تلاش‌های قوای مقننه، مجریه و قضائیه در ایجاد عدالت اجتماعی (مانند جرایم ناملموس، اصلاح اراضی، قانون کار، عدالت نسبت به کودکان، عدالت جنسیتی و غیره) همه و همه می‌توانند محتوای دوره را تشکیل دهند.

روش‌های آموزش دوره به صورت مباحثه - سخنرانی (بیست و پنج درصد)، انجام پروژه‌های فردی / گروهی یا مطالعات اتحادیه‌ای در خصوص تحقیقات و گزارش کردن آنها از طریق سمینار (بیست و پنج درصد)، برگزاری کارگاه‌ها و انجام بازدیدهای میدانی (بیست و پنج درصد) و برگزاری امتحان کتبی به همراه سوالات میان‌رشته‌ای در مورد رابطه حقوق - اجتماع می‌باشد.

موضوعات پروژه‌ها و مطالعات موردی سال به سال با ترکیبی از مسائل / مشکلات قدیم و جدید که ابتکارات حقوقی در آنها در امر ایجاد عدالت اجتماعی موفق یا ناموفق بوده‌اند، تغییر می‌کند. در اینجا فوریت بیشتر بر توسعه اجتماعی از طریق حقوق و نقش موسسات / ابزارهای حقوقی در طراحی اجتماعی به منظور درک و شناخت محدودیت‌ها و ضعف‌های جریان قضایی است.

این امر ممکن است به شناخت فنون مدیریت تعارضات و تضادها در جامعه و مساله نیاز به فعال و پاسخگو بودن حقوق در جریان حل و فصل دعوی نیز کمک نماید.

روند فراگیری در اینجا بیشتر قیاسی (استدلال از حقایق مشاهده شده) است تا القایی (استدلال از یک قانون کلی) و بیشتر مبتنی بر تجزیه است تا منطق و قوانین مقدماتی و اساسی که مورد پذیرش دادگاه‌ها هستند. مسئول جوان تمایز بین اثبات در حقوق و اثبات در علوم اجتماعی را فراخواهد گرفت.

بیشتری به دست خواهیم آورد.

میزان این تبادل در آموزش قضایی مقدماتی و چگونگی آن به انجام نیازسنجی آموزشی به وسیله مربیان در شرایط و موقعیت‌های مشخص و دقیق بستگی دارد. با این وجود دو دوره ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۶-۷-۱۳. (الف): حقوق و عدالت اجتماعی
 قصد این دوره ارائه فهم و درک دقیق از جامعه هند و رشد و تحول آن طی چند قرن و توضیح نحوه تاثیر این تغییر و تحولات در شکل‌گیری حقوق و موسسات حقوقی است. این دوره باید ترکیبی از تاریخ، جامعه‌شناسی، فرهنگ و اقتصاد باشد. در یک کلام باید تاریخچه اقتصادی - اجتماعی سیستم حقوقی باشد. عدالت در زمان‌های مختلف چگونه تغییر و اجرا می‌شود؟ چه عواملی در اتحاد جامعه طی جنبش آزادی نقش داشتند؟ در تمام این موارد حقوق‌دانان و قضات چگونه و با چه روش‌هایی یک سلسله ارزش‌های متمایز از یکدیگر عرضه داشتند؟ دروس تاریخ و فرهنگ در مباحث حقوقی، پیشنهادات و توصیه‌های پرمعنایی در اختیار مسئولان جوان قرار می‌دهد و حقوق از آنها افرادی با وجدان و وظیفه‌شناس و دقیق در توسعه حقوقی و رشد اجتماعی می‌سازد.

محتوای دوره می‌تواند دربرگیرنده مفاهیم قوانین و اقدامات مربوط به قانونگذاری و ارائه عدالت در دوره استعماری باشد یا مفاهیم ضمنی عدم جدایی قوه قضائیه از قوه مجریه را شامل می‌شود. همچنین تکامل مفهوم استقلال قوه قضائیه، تبلور نقش شغل حقوقی، تلاش‌های صورت گرفته در جهت اصلاح قانون اساسی طی رژیم استعماری، ارزش‌های جنبش استقلال و انعکاسات آن ارزش‌ها در دعاوی حقوقی، جریان قانونگذاری در مقابل جریان قضایی به گونه‌ای

۶-۷-۱۳. (ب) حقوق، جامعه و عدالت

تمام کارآموزان حقوق پس از فارغ‌التحصیلی، دیدگاه‌هایی نسبت به نقش حقوق در جامعه و پتانسیل حقوق به عنوان یک ابزار توسعه و عدالت اجتماعی خواهند داشت. اما بعید است که این افراد فرصت درک نقش حقوق در هدایت تغییرات، کنترل فشارهای اقتصادی و توزیع ثمرات توسعه را داشته باشند. تغییر و تحولاتی که مفاهیم مقدماتی حقوقی مانند دارایی، قراردادها، شبه جرم، جرم و خانواده هنگام تاثیرپذیری از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دستخوش آن شده‌اند، باید در شرایط و متن کار مورد مطالعه قرار گیرد تا یک قاضی جوان، فهم و درک کلی نسبت به پست و شغل خود پیدا نماید. شغل و وظیفه قاضی تنها حل و فصل نزاع‌ها نیست بلکه قاضی یک نظم اجتماعی عادلانه را بنا می‌نهد که در آن تا جای ممکن از ایجاد نزاع جلوگیری گردد.

پنجاه و چهارمین گزارش کمیسیون حقوقی از مقامات قضایی خواسته است فهم کافی و کارآمدی از برخی موضوعات علمی اجتماعی (اقتصاد، علوم سیاسی، تاریخ، جامعه‌شناسی و روانشناسی) در ارتباط با حقوق و سیاست‌های حقوقی داشته باشند.

با توجه به برنامه آموزشی، دوره پنج ساله منسجم و جدید کارشناسی حقوق بینش‌های مربوط به مضامین و درونمایه‌های قید شده در جدول فوق را به نسل جدید حقوق‌دانان اعطا خواهد نمود.

اما فراگیری علوم اجتماعی نیز ضروری است. تنها بررسی و تجزیه و تحلیل منسجم علوم اجتماعی با حقوق، اگر به گونه‌ای که انتظار می‌رود تعلیم داده شود، می‌تواند حس اشتیاق و کنجکاوی در دانشجویان حقوق ایجاد نماید.

در آموزش قضایی اگر نگاهی به انعکاس تبادل کارکردی بین حقوق و جامعه داشته باشیم نتایج

این امر اورا قادر خواهد ساخت پیچیدگی واقعیت اجتماعی را درک نماید حتی اگر حقایق و شواهد در شیوه و سبک و سیاق دورافتاده‌ای در رسیدگی‌ها و دادرسی‌های دادگاهی ارائه گردند.

او تاثیر تصمیمات قضایی در جامعه را خواهد دید و علت نیاز به فهم دلایل نامیدی و سرخوردگی نسبت به حقوق و جریانات حقوقی را درک خواهد کرد.

۶-۷-۱۳. (ب) حقوق، اقتصاد و توسعه سیاسی

این بخش دوره دوم واحد حقوق، جامعه و عدالت برنامه کارآموزی قضایی به شمار می‌آید. در حالی که دوره اول بر ابعاد فرهنگی - اجتماعی حقوق و مدیریت تاکید داشت، این دوره بر ابعاد سیاسی و اقتصادی حقوق در جامعه متمرکز می‌شود. امروزه تمام قضات دادگاه تالی اصرار فراوان دارند بر اجرای عدالت در خصوص مسائلی که به ارتباطات اقتصادی و عدالت توزیعی مربوط می‌شوند. با فرض دادن اهمیت اساسی و بنیادی به حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی در رژیم اقتصادی جدید، قضات خواهند توانست اقدامات فراوانی برای ارائه منشاء عدالت در ارتباطات معاملاتی پیچیده انجام دهند.

این مسئله به فهم ارکان و ویژگی‌های اقتصاد سیاسی، ارتباط بین کشور و بازار و نقش حقوق بشر در مجازات معاملات ناعادلانه و نامساوی نیاز دارد. با توجه به چشم‌اندازهای سیاست‌های مبهم و نامعین قانونگذاری در رژیم معاملاتی، قضات دادگاه باید در انتخاب اصلاحات خلاق باشند و در حل و فصل دعاوی فعالانه عمل نمایند و در عین حال خواست‌های قوه مقننه و نیازهای جامعه را در ذهن داشته باشند. این مساله به ارزش‌مندی، برقراری توازن قضایی بین علایق متعارض و توانایی درک معاملات اقتصادی پیچیده از طریق انجام اقدامات دادوستدی مربوط می‌شود.

نمی‌توان از یک قاضی جوان انتظار داشت این مهارت تحلیلی و استدلالی را که باید در مرحله آشناسازی طی یک دوره برنامه‌ریزی شده به وی داده شود، از قبل داشته باشد. کمیسیون حقوقی (پنج‌جا و چهارمین گزارش) با مثال زدن تغییرات بنیادی که در مفهوم و وضعیت «داری» در جوامع مدرن اتفاق می‌افتد، از ایجاد آموزش علمی اجتماعی گسترده برای قضات حمایت کرد. «حقوق و توسعه» یک دوره مستقل بود که کمیسیون گاجندراگادکار در آموزش قضایی خواستار برگزاری آن بود. کمیسیون دسای، جامعه‌شناسی حقوق را پیشنهاد کرد. امروز به راستی اجرای عدالت بدون فهم نقش پیچیده‌ای که حقوق در توسعه و تغییر اجتماعی ایفا می‌کند، سخت و دشوار است. با آسان‌گیری و جهانی‌سازی اقتصادی و در متن نقش برجسته سازمان تجارت جهانی در حل و فصل دعاوی اقتصادی، سیستم‌های ملی حقوقی باید نقشی خلاقانه و فعال در سازماندهی اصلاحات حقوقی برای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی ایفا نمایند. هر بیننده نکته‌سنج و ظریفی می‌تواند تاثیر این نقش جدید را در ایجاد حوزه‌های حقوقی مانند قانون مالکیت معنوی، قانون منابع طبیعی، قانون انرژی،

قانون محیط زیست، قانون مربوط به معاملات مالی و تجارت بین‌المللی، قانون حمایت از مصرف‌کننده و... درک نماید. تاکنون هیچ دانشکده حقوقی در سطح کشور این حوزه‌های حقوقی را آموزش نداده است. بعید است که نسل جوان حقوق‌دانان فرصت تمرین در این حوزه‌های حقوقی را داشته باشند. اما در عین حال هیچ‌کس نمی‌تواند این حقیقت را انکار نماید که قضات دادگاه در آینده به طور فزاینده‌ای با این حوزه‌های حقوقی درگیر خواهند بود و در آن زمان قوانین و ابزار گذشته برای پرداختن به این حوزه‌های حقوقی کافی و مناسب نخواهند بود. بنابراین ارائه یک پایه و اساس برای قوانین اقتصادی از جمله جرایم اقتصادی، در متن اقتصاد هند که در حال آمیخته شدن با اقتصاد جهانی است مورد نیاز می‌باشد.

این دوره نیز برای توسعه محتوا و مطالب خود به موضوعات و واحدهای درسی غیرحقوقی و موضوعات بیشتر در زمینه اقتصادی نیاز خواهند داشت.

۶-۷-۱۳. (۲) اصل حاکمیت قانون، جریان قضایی، حکومت منطبق با قانون اساسی

حکومت منطبق با قانون اساسی مطابق با اصل حاکمیت قانون از قوه قضائیه استانداردهای سخت و دقیق رفتار قضایی را مطالبه می‌کند که برای دستیابی به آن لازم است قضات هم در مهارت و هم در رفتار آموزش ببینند.

فرهنگ حقوق بشر و ذهنیت و گمان سالم نسبت به اعمال توان عمومی دولت و نهادهای آن از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر فکر قضایی هستند. قضات هنگام قضاوت مستقل باید برای حاکمیت قانون و معقولیت استفاده از آن تلاش نمایند. به طور خلاصه، در حقیقت وظیفه یک قاضی در دموکراسی منطبق با قانون اساسی که با اصل حاکمیت قانون و حقوق بشر اداره می‌شود، وظیفه‌ای پرزحمت و دشوار است. آنچه بیش از دانش حقوقی مورد نیاز است انسجام کامل و اعمال یک شیوه بخردانه است که منجر به اعمال رفتاری ملایم و محترمانه شود. در حالی که این امر ثمره یادگیری و جامعه‌پذیری با حرفه قضایی است، عناصر آن در کارآموزی فراگرفته می‌شود. جهت دستیابی به این هدف دو دوره ذیل پیشنهاد می‌شوند:

۶-۷-۱۳. (۲) (الف) اصول قانونگذاری، تفسیر قوانین و میدان بررسی قضایی:

فهم قضات از قصد قوه مقننه و احترام به آن هنگام تفسیر قوانین لازمه اصل حاکمیت قانون است. قانون فهمیده نمی‌شود مگر از طریق مقصدش که جلوگیری از اعمال شرارت و حرکت به سوی اهداف مورد انتظار است. در گردآوری این اطلاعات تمام قضات ناگزیر به مذاکرات سیاسی، تاریخیچه قانونگذاری، دیدگاه‌های

مختلف در جامعه و محدودیت‌های قانون در نظم کنترل اجتماعی کشانده می‌شوند.

قوانین، مجموعه‌ای از واژه‌ها و عبارات هستند که پذیرای تفسیر متفاوت و متنوع قوانین می‌باشند. علم قانون‌گذاری (قوانین اصلی، تالی، عالی و یا تفویضی) و هنر تهیه پیش‌نویس قانونی، دستور جلسه کارشناسی اجتماعی پنهان که قضات نباید از طریق اصول و شیوه‌های شناخته شده کشف کنند، پنهان می‌نماید. این اصول در مورد تمام مجموعه قوانین یکسان نیستند. اینکه اصول به چه اندازه می‌توانند در فهم قوانین مورد استفاده قرار گیرند نیز بسته به مسائل مطرحه و میزان روشنی و آشکار بودن آنها در واژه‌ها و عبارات قانونی متغیر است. در قوانین عرفی مقررات خاصی برای تفسیر در نظر گرفته شده است و در رویه قضایی سراسر جهان گنجانده شده است. البته قضات محاکم همواره در کار روزانه خود با این مسائل مواجه نمی‌شوند، اما از آنها و اینکه چگونه و کجا باید آنها را در کار قضایی داخل نمایند، مطلع هستند.

به همین اندازه نقش مورد اختلاف اما مهم بررسی قضایی فعالیت اجرایی و قانون‌گذاری نیز دارای اهمیت است. این اصل که هر قانون و فعالیت اجرایی باید با قوانین بنیادی - قانون اساسی - همخوانی و سازگاری داشته باشد، بخشی از رویه قضایی هند و شاید ویژگی بنیادی - قانون اساسی هند می‌باشد. قوه قضائیه که در بررسی قضایی دخیل است دقیق و نکته‌سنج است و به وسیله دادگاه‌های عالی و دیوان عالی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش با حفظ اصل حاکمیت قانون از طریق جلوگیری از استبداد و خودکامگی در حکومت، به دفاع از حقوق اساسی مخالف اقدامات دولت کمک می‌نماید.

هنگام اعمال بررسی قضایی، بعید است دادگاه‌ها به سیاست‌ها بپردازند و ناگزیر قانونی بودن اقدامات دو جناح دیگر دولت را اعلام می‌نمایند. در این جریان اختلاف‌نظر ایجاد می‌شود و قوه قضائیه به طور روزافزون درگیر می‌شود. این از امتیازات دموکراسی هند است که قوه قضائیه در بررسی طرح مطابق با قانون اساسی از طریق بررسی‌ها و توازن‌ها روش خود را دارد و بدین

ترتیب، نقش قوه قضائیه نقشی مهم و ظریف است. تمام اعضای سازمان قضایی حتی اگر بررسی قضایی انجام ندهند باید طبیعت و اهمیت رویه قضایی، روش اجرای آن در متن کشور هند و مسئولیت‌هایی که به طور کلی بر قوه قضائیه تحمیل می‌شود، را بفهمند. این موضوع باید بخشی از دوره‌ای را که برای آشناسازی کارآموز با نقش وسیع‌تر قوه قضائیه در دولت دموکراتیک طراحی شده است را تشکیل دهد. مباحث جالبی در خصوص هر سه بعد در برخی احکام دادگاه‌های هند و دادگاه‌های خارجی وجود دارد که ممکن است برای تدریس و مباحثه خلاقانه ویرایش و ارائه گردند. یک روش صرفاً تئوری‌گونه با مواد درسی کتاب برای هدف دستیابی به مقاصد مورد

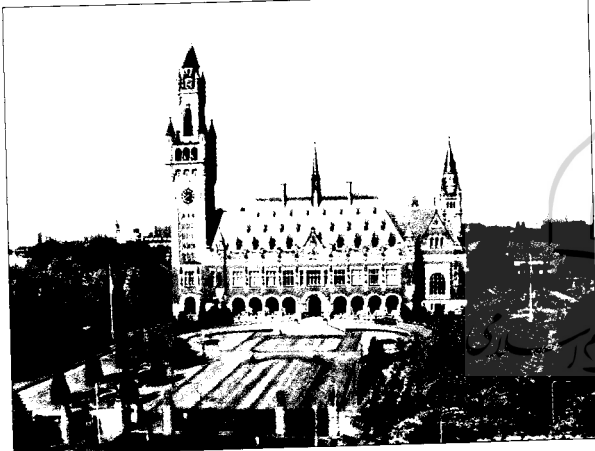
وظیفه یک قاضی در دموکراسی منطبق با قانون اساسی که با اصل حاکمیت قانون و حقوق بشر اداره می‌شود، وظیفه‌ای پرزحمت و دشوار است. آنچه بیش از دانش حقوقی مورد نیاز است انسجام کامل و اعمال یک شیوه بخردانه است که منجر به اعمال رفتاری ملایم و محترمانه شود

و همه می‌تواند به طور مشروح به بهترین صورت به کارآموزان قضایی که از قبل با قوانین مقدماتی آشنا هستند ارائه گردد.

درون‌مایه مربوط به قوانین شکلی که پنجاه درصد کل موضوعات آموزش داده شده در آکادمی (بیست و پنج واحد درسی) را تشکیل می‌دهد می‌تواند در پنجه دوره مختلف مانند رسیدگی مدنی، رسیدگی کیفری، حوزه‌های قضایی خاص، نگارش احکام و فن دادگاه، مساعدت حقوقی و ADR سازماندهی شود. محتوا و حوزه این پنج دوره طبق دستورالعمل «حقوق شکلی» در ذیل توضیح داده می‌شود:

۶-۷-۱۳. (ب) جریان قضایی: نقش قاضی در قضاوت توافقی

فهم طبیعت، حوزه و محدودیت‌های جریان قضایی بخشی از کارآموزی یک قاضی می‌باشد. جریان قضایی در یک وضعیت توافقی که به وسیله نظام‌نامه کتبی داخلی و ادله اثبات دعوی سازمان‌دهی شده است از وجود یک قاضی مستقل و عادل بهره‌مند از صبر زیاد و قوه تعقل بالا حتی در شرایط خسته‌کننده و سخت خیر می‌دهد. افراد مختلف نقش‌های مختلفی در دادگاه بازی می‌کنند و از قاضی انتظار می‌رود نمایش را مطابق با قوانین بازی اداره نماید. در این جریان قاضی نه تنها باید عادلانه و بی‌طرفانه عمل نماید بلکه طرفین دعوا که زندگی و آزادی‌شان در معرض خطر است نیز باید این عدالت و بی‌طرفی قاضی را حس و مشاهده نمایند. قضات فعال و پرجنب و جوش وجود دارند همان‌گونه که قضات خنثی و بی‌اعتنا وجود دارند. روش‌های قضایی متنوع و پیچیده هستند و قادر به مساعدت دادن قضات از هر سنخی و ایجاد جنب و جوش و تکاپو در جریان قضایی هستند بدون آنکه به اصالت خود جریان لطمه‌ای وارد شود. بنابراین با فهم جریان قضایی، هم بعد تئوری و هم بعد عملی، کارآموز عواملی را که در ایجاد یک قاضی خوب کمک می‌نمایند را فراخواهد گرفت. هدف این موضوع ارائه بالاترین و بهترین حد علم و مهارت، طرز فکر و رفتار که می‌توانند منابعی برای قضات باشند به کارآموز است. دست‌نوشته‌های شرح حال قضات اطلاعات مفیدی برای مطالعه و تامل در اختیار افراد می‌گذارد.



دومین قالب به تعدادی از موضوعات شکلی مربوط می‌شود که به موجب آنها ارائه دادخواست و پذیرش دعوی به وسیله قانون حقالزحمه دادگاه، قانون ارزیابی دعوی، قانون تمیز، قانون تحدید حدود، قانون خاص جبران خسارت و غیره کنترل می‌شود. بحث در خصوص دعوی مختلف که نیازمند تنوع است کارآموزان را قادر می‌سازد با طبیعت کاری که احتمالاً به زودی در دفتر خود با آن مواجه خواهند شد آشنا شوند.

به مدیریت جریانات قبل از محاکمه باید توجه کافی و وافی شود. بازپرسی طرفین، شنیدن اظهارات آنها و تنظیم و انشای مسائل، وظایف خطیری هستند که لازمه آنها توسعه علوم و مهارت‌ها از طریق مطالعات موردی و انجام تمرین عملی است. لازم است به طور ویژه نسبت به جلوگیری از سوءاستفاده از نیروهای تحت اختیار، به ویژه در ارائه احکام موقت یک‌جانبه تأکید شود. بسیاری از اصول کلی قانون مربوط به ادله در خصوص مسائلی که ممکن است طی محاکمه ایجاد شود، متکی بر مقررات و اصول موجود در قانون

سکوت بخواند و چگونه نتایج مورد انتظار را بدون به مخاطره انداختن وجهه عدل و انصاف به دست آورد و با هدایت قانع‌کننده از تضادها و اختلاف جلوگیری نماید.

دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص اینکه آیا یک قاضی تنها باید یک داور و حکم باشد یا می‌تواند نقش یک هنرپیشه فعال در محاکمه توافقی را ایفا نماید وجود دارد. به نظر می‌رسد قانون حوزه‌ای را برای هر دو نقش در محدوده شاخص‌ها (به عنوان مثال حکم آیین دادرسی مدنی، حکم ۳۱۳ آیین دادرسی کیفری، بازپرسی شهود دادگاه) مشخص می‌نماید. برای توانایی فراگیری و تمرین چنین نقش‌هایی، کارآموز قضاوت باید تمام شرایط و موقعیت‌ها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. در حالی که این دوره فرصتی برای چنین اقداماتی مهیا می‌نماید، کارآموز باید بتواند این علوم فراگرفته شده را هنگام کارورزی به عنوان جانشین قضات مجرب آزمایش نماید. به طور خلاصه، بخشی از آموزش این موضوع در کلاس درس و بخشی به صورت میدانی خواهد بود.

۶-۷-۱۳. (۳) حقوق شکلی و دادگستری:

این درون‌مایه، موضوعات هسته‌ای را که معمولاً در تمام برنامه‌های آموزش قضائی ارائه می‌شوند، تشکیل می‌دهد. در بسیاری از برنامه‌های آموزشی موضوعات هسته‌ای محتوای کلی دوره را، البته به جز آموزش میدانی کارآموزی تشکیل می‌دهند. آنچه در اینجا توصیه می‌شود یک روش کاملاً متفاوت در آموزش حقوق شکلی و سازماندهی و هماهنگی آنها در برنامه آموزشی کلی است. روش مباحثه - سخنرانی آموزش موضوعات که از آیین

دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و قانون مربوط به ادله گرفته شده است چیزی بیشتر از آنچه کارآموز یا از طریق دانشکده حقوق یا وکالت و یا هر دو به دست آورده است، ارائه نمی‌دهد. به این ترتیب یک مربی خوب باید ارائه یک طرح منسجم و کارآمد را در کل آموزش حقوقی شکلی در نظر بگیرد. قالب‌ها و الگوهای بسیاری برای این طرح وجود دارد و هر قالب و الگو نقاط مثبت و منفی خود را دارا است. به عنوان مثال، یک قالب ممکن است یک سبک و شیوه آموزشی اختیار کند که کارآموزان تمام دادرسی کیفری و ادله را از طریق سفر قدم به قدم از وقوع جرم در جامعه تا حل و فصل نهایی آن در دادگاه طی کند و به هنگام لزوم، از سرگرمی‌ها برای توضیح دوره پرونده‌های کیفری مختلف در وضعیت‌های مختلف استفاده نماید.

جریانات قبل از محاکمه، مراحل محاکمه و رسیدگی استیناف، مراحل تصمیمات قضایی موقت، مداخله‌های قانونی دادگاه، مداخله‌های اداری و نظارتی، تاثیر اقدامات مراجع فوق حقوقی و غیره همه

انتظار از آموزش موضوع، کافی و مناسب نخواهد بود. مهم است که کارآموزان طبیعت غیردموکراتیک جریان قضایی و نیاز به توجه و تذکر در اعمال بررسی قضایی علیه جریانات تصمیم‌گیری دموکراتیک را درک نمایند. این وظیفه به مراتب دشوارتر از هر نقش و وظیفه قضایی دیگر در یک حکومت دموکراسی است. محدودیت قضایی و تحول‌گرایی قضایی باید در شرایط و بافت مناسب فهمانده شوند تا قضات در دام سیاست مانع‌تراشی یا سیاست رک‌گویی که هیچ‌کدام وجهه و اعتبار خوبی برای قوه قضاییه به دنبال نخواهند داشت، نیفتند.

۶-۷-۱۳. (۲) (ب) جریان قضایی: نقش قاضی در قضاوت توافقی

فهم طبیعت، حوزه و محدودیت‌های جریان قضایی بخشی از کارآموزی یک قاضی می‌باشد. جریان قضایی در یک وضعیت توافقی که به وسیله نظام‌نامه کتبی داخلی و ادله اثبات دعوی سازمان‌دهی شده است از وجود یک قاضی مستقل و عادل بهره‌مند از صبر زیاد و قوه تعقل بالا حتی در شرایط خسته‌کننده و سخت خیر می‌دهد. افراد مختلف نقش‌های مختلفی در دادگاه بازی می‌کنند و از قاضی انتظار می‌رود نمایش را مطابق با قوانین بازی اداره نماید. در این جریان قاضی نه تنها باید عادلانه و بی‌طرفانه عمل نماید بلکه طرفین دعوا که زندگی و آزادی‌شان در معرض خطر است نیز باید این عدالت و بی‌طرفی قاضی را حس و مشاهده نمایند. قضات فعال و پرجنب و جوش وجود دارند همان‌گونه که قضات خنثی و بی‌اعتنا وجود دارند. روش‌های قضایی متنوع و پیچیده هستند و قادر به مساعدت دادن قضات از هر سنخی و ایجاد جنب و جوش و تکاپو در جریان قضایی هستند بدون آنکه به اصالت خود جریان لطمه‌ای وارد شود. بنابراین با فهم جریان قضایی، هم بعد تئوری و هم بعد عملی، کارآموز عواملی را که در ایجاد یک قاضی خوب کمک می‌نمایند را فراخواهد گرفت. هدف این موضوع ارائه بالاترین و بهترین حد علم و مهارت، طرز فکر و رفتار که می‌توانند منابعی برای قضات باشند به کارآموز است. دست‌نوشته‌های شرح حال قضات اطلاعات مفیدی برای مطالعه و تامل در اختیار افراد می‌گذارد.

اختیار و آزادی عمل قضایی یک منبع قدرت قضایی است که می‌تواند در حین تأمین عدالت اعتبار و اقتدار هم به دادگاه بدهد. در عین حال، استفاده نامناسب از اختیار و آزادی عمل می‌تواند اصالت و شأن اداره قضایی را که قضات بدون آن نمی‌توانند به صورت کارآمد و موثر عمل نمایند را به تدریج ضعیف نماید. به این ترتیب این دوره کارآموزان را در خصوص استفاده و سوءاستفاده از اختیار قضایی به ویژه در ارتباط با بررسی احکام و درخواست نامه‌های مقدماتی آموزش می‌دهد. آماده سازی کارآموزان برای استماع یک پرونده می‌تواند کمک بسیار موثری هنگام محاکمه در دادگاه باشد. مدیریت و بازپرسی شهود به صورت حرفه‌ای هم هنر است و هم علم که یک قاضی با وجدان و وظیفه‌شناس می‌تواند انجام دهد. یک قاضی به عنوان رئیس دادگاه، باید بداند چه موقع مداخله کند و چه موقع مداخله نکند، چه هنگام و کیل را به

ساده‌تر مانند مصالحه، دیه قربانی، معاونت حقوقی، نفعه، دادرسی‌های خاص مربوط به بیماران، واگذاری هزینه‌ها نیز به سطح دانش کارآموزان افزوده شود. شکل و ترکیب حقوق جزا خارج از قانون کیفری هند چنان گسترده و پیچیده است که این دوره ممکن است ناگزیر باشد چند بخش در مورد آن قوانین خاص به ویژه در خصوص اصلاحات در قوانین مربوط به دادرسی، ادله و حل و فصل ایجاد نماید. همچنین، دامنه وسیع مسائل در علم قضایی، قوانین پزشکی و پیشرفت‌های جدید در اثبات باید مورد توجه کارآموزان قرار بگیرد.

۶-۷-۱۳. (ج) حوزه و نهادهای خاص

تشکیل دیوان روشی است که در سیستم دادگستری هند معروف و رایج است. در حالی که اعضای دیوان در برخی روش‌ها با دادگاه‌های عادی مشارکت دارند، در دادرسی‌ها و حل و فصل‌ها با آنها متفاوت هستند. حقوق اداری و دیوان‌های اداری باید بخش مهم این دوره را تشکیل دهند، مقام و مسئول نباید فنون و روش‌های ترک شده از سوی قوه مقننه را به دیوان‌ها وارد نماید.

مسائل مربوط به اطفال در دادرسی قضایی، یکی دیگر از قالب‌هایی است که به مطالعه دقیق و تلاش آگاهانه نیاز دارد. دادرسی‌های دادگاه اطفال در ارتباط با اطفال بزه‌کار در زمره این قالب قرار می‌گیرد. همچنین در این قالب به مساله حقوق اطفال در موضوعات مدنی و اداری و اینکه چگونه باید با دادرسی‌ها و رفتار اصلاح شده از آنها مراقبت نمود پرداخته می‌شود.

یکی دیگر از حوزه‌های خاص که در آموزش قضایی لازم است حوزه قضایی مربوط به کارگران در دادگاه‌های کار و صنعتی است. مهارت‌ها و علوم مورد نیاز یک مقام و مسئول در دادگاه کار باید پویا و برگرفته از قوانین مختلف کار و سیاست‌های اقتصادی باشد. دادرسی‌ها به ندرت توافقی هستند و معمولاً وکلا در اینگونه جلسات حضور ندارند. اگر مقام و مسئول خود را با فلسفه کار تطبیق ندهد این مساله برای اقتصاد و صلح صنعتی زیانبار و مضر خواهد بود.

اکنون نهادهای تخصصی قضایی برای زنان در حال شکل‌گیری است. دادگاه خانواده یک نمونه از این نهادها است. روند دادگاه خانواده با خط و جریان معمول دادگاه‌های مدنی فرق دارد و آنها از طریق قوانینی اختیار یافته‌اند که عدالت جنسیتی را گاهی اوقات از طریق اقدام ایجابی که مختص چنین نهادهایی است ارائه نمایند. شرایط خاصی اغلب برای مسئولان این محاکم و دادگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر وجود نهادهای خاص مربوط به زنان، توجه و حساسیت جنسیتی نسبت به پرسنل قضایی نیز لازم است تا به طور کلی رهایی از سوگیری‌ها جنسیتی و اقدامات تبعیض‌آمیز حاصل شود. قضات آینده باید آماده شوند تا با حساسیت و تعهد به مساوات و شأن بشری به مسائل زنان بپردازند.

در حال حاضر حوزه‌هایی برای محافظت از کاست‌های موجود نسبت به فجایعی که علیه آنها

مفهوم «محاکمه عادلانه» آن‌گونه که در قانون دادرسی کیفری و قانون مربوط به ادله شرح داده شده است و آن‌گونه که از مفاد لایحه هندی «حقوق» طبق قانون اساسی استخراج شده است باید قالب اصلی این دوره را تشکیل دهد. بخش زیادی از این دوره را می‌توان از طریق مباحثه و سخنرانی با مطالعه گزینشی پرونده‌ها و گزارش‌های کمیسیون حقوقی آموزش داد.

نقش و مسئولیت‌های قضایی بخش در مرحله قبل از محاکمه، در مراحل دستگیری، آزاد کردن متهم یا بازداشتی به قید ضمانت، بازگرداندن زندانی به زندان و آزاد کردن باید به طور مشروح با کمک مفاد قانونی مربوطه و تصمیمات قانونی دادگاه آموزش داده شود. حل و فصل پرونده‌ها بدون محاکمه و اتخاذ تدابیری جهت تضمین حضور متهم می‌تواند بیانگر درک نقش یک قاضی باشد.

بیان اتهامات بعد دیگری از دادرسی کیفری است که لازم است در امر کارآموزی توجه ویژه‌ای به آن شود.

محاکمه پرونده‌های کیفری با مجموعه‌ای از ادله و نقد و بررسی برای روشن نمودن حقیقت مهم‌ترین مرحله در دادرسی کیفری به شمار می‌آید. خلاصی سریع از تعداد گنج‌کننده‌های پرونده‌های در جریان که تأثیر قاطع قضایی، بررسی سریع وی و بازپرسی صحیح از شهود در آنها لازم است. تشخیص اعتبار ادله شفاهی در زمینه‌ها و شرایط متنوع و متفاوت. پرهیز از روش قدیمی و کلیشه‌ای در بررسی ادله. گرایش اخیر تصمیمات دیوان عالی کشور به بررسی ادله برای نتیجه‌گیری در مورد حقایقی که سقم‌شان ثابت شده است. اجرای روش‌های فراگیری آموزش بالینی که امروزه در برخی موسسات آموزش حقوق مورد استفاده قرار می‌گیرد و مهارت‌های لازم را از طریق تمرین و نقش‌گذاری در شرایط شبیه‌سازی شده در اختیار می‌گذارد.

آکادمی قضایی باید یک فرصت از روش‌های آموزش بالینی که اکنون کشورهای توسعه‌یافته به سوی آنها در حرکت هستند، تهیه نماید و با کمک سیستم‌های حمایتی چند رسانه‌ای برنامه‌هایی را معرفی نماید که می‌تواند مهارت‌های پیچیده را به کارآموزان منتقل نمایند.

طبق بخش ۳۱۳ آیین دادرسی کیفری در قسمت بازجویی متهم مسئله آماده‌سازی و آگاهی کامل فرد نسبت به پرونده قبل از بحث به منظور کوتاه‌سازی بحث‌های طولانی نیاز به توجه ویژه دارد.

استفاده معقول از نظریه بی‌گناهی متهم در صورت فقدان دلیل کافی بر مقصر بودن وی لازم است.

ارائه حکم وظیفه و نقش مهم دادگاه کیفری است و نیاز به تخصص و مهارت‌های خاص دارد. با توجه به وجود مسائل بی‌ربط و روی به افزایش در محاکمات معمول و اختیارات محدود موجود، قاضی حکم‌کننده باید نقش اجتماعی بسیار مهم به گونه‌ای که عدالت کیفری را ادامه‌پذیر و معقول سازد، ایفا نماید. توجه و تمرکز ویژه در این مورد باید بر جرایم اجتماعی - اقتصادی و فجایع علیه اقشار ضعیف‌تر باشد.

عقل و حکمت حکم می‌کند که موضوعات

دادرسی مدنی است که به یک قاضی فعال اجازه می‌دهد قاضی مصالحه هم بشود. استفاده از کمیسیون‌ها در گردآوری ادله، حل مسائل مربوطه و قابل طرح و ارزیابی و بررسی ادله با بکارگیری اصل کثرت احتمالات، نیاز به مطالعه و تأمل عمیق با در نظر گرفتن وضعیت‌های حقیقی خاص دارد. فایل‌های پرونده‌ها که شامل ادله ثبت شده، می‌باشد باید برای آموزش این ابعاد در امور قضایی مورد استفاده قرار گیرند.

برخی اوقات نیاز به تفسیر قراردادها و قوانینی وجود دارد که برای فراگیری آنها قاضی باید تعلیم ببیند بدین ترتیب معیارها و اقدامات هنگام پرداختن به این‌گونه مسائل منحرف نمی‌شوند. مسائل مربوط به ادله و اثبات در دادرسی‌های مدنی بسیار فراوان و متنوع هستند. یک مربی باید بتواند اطلاعات قابل‌یاری را از اقدامات واقعی انتخاب نماید و به وسیله آنها نتایج دوره‌های عملی دیگر در موقعیت‌های حقیقی معین را به کارآموزان نشان دهد. روش ماشین‌وار و بدون فکر موجود مورد استقبال نیست، روش افراطی و دنباله‌روی نیز چندان مورد علاقه قضات دادگاه نیست. تا جایی که کلاس درس بتواند نشان دهد چگونه کوچک‌ترین خطا در تشخیص و تمیز حقایق و ضوابط شکلی می‌تواند منجر به عواقب و پیامدهای غیرمنتظره‌ای در نتیجه دادرسی‌ها شود، می‌توان گفت آن دوره برای کارآموزان با معنی و آموزشی است.

ساختار قبلی و روش‌های آموزش نحوه دادرسی در یک دادگاه مدنی صرفاً نباید مبتنی بر اصول و روش‌های قبلاً شناخته شده باشد. این سوال که چرا این اصول مقرر شده‌اند و چگونه همان اصول می‌تواند در عمل پویا باشند باید در آموزش مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت جریان کار، در روند قضاوت باید فهمیده شود و در عین حال شناخت جریان کار، ابزاری برای یافتن حقیقت و اجرای رفتار عادلانه نسبت به هر دو طرف دعوا خواهد بود.

قاضی باید بداند چرا دادرسی‌های کیفری ساختار متفاوتی نسبت به دادرسی‌های مدنی و دادرسی‌های مبتنی بر قانون اساسی دارند. همچنین قاضی باید منطق پشت اصلاحات را که با قوانین خاص بر دادرسی‌های مدنی تأثیرگذار است، بفهمد تا اهدافی را که دادگاه‌های مدنی عادی قادر به تحقق رساندن آن نیستند، به دست آورد.

یکی از مشکلات در آموزش اطلاعات مبتنی بر تصمیمات سابق، تمایل به ادامه و استمرار همان روش‌ها است که ممکن است برای شرایط تغییر یافته مساعد و مناسب نباشند در حالی که سنن و رسوم گذشته ارزش خود را در سیستم دارا می‌باشند، ممکن است منجر به سوء اجرای عدالت شوند همان‌طور که اگر محدودیت‌ها درک نشوند و از ریسک‌ها و خطرات احتمالی در برخی پرونده‌ها برای آغاز توأم با آرامش جلسات استقبال نشود، احتمال سوء اجرای عدالت پیش خواهد آمد. از آنجا که بسیاری از تصمیمات دادگاه ممکن است نهایی باشند، بسیار مهم است که قاضی دادگاه خود اعمال روش‌های خلاقانه و قاطع را بفهمد تا هر زمان که عدالت ایجاب نماید بدون توجه به سنن و رسوم گذشته خود را اعمال نماید. القای چنین روحیه‌ای به دانشجویان از سوی مربیان امری دشوار است.

۶-۷-۱۳. (ب) دادرسی‌های کیفری:

صورت می‌گیرد و به منظور اعلام نارضایتی‌ها و اعتراضات مربوط به نقض حقوق بشر در حال شکل‌گیری است.

دادگاه‌های ویژه‌ای از جمله دادگاه‌های حقوق بشر در حال حاضر در ایالات مختلف با اختیارات روزافزون و مسئولیت‌های خاص در حال فعالیت هستند. مهم است که فرد جوانی که تازه به قوه قضائیه وارد می‌شود اطلاعات کافی در مورد حوزه‌های خاص و نقش آنها در ارائه عدالت داشته باشند.

۶-۷-۱۳. (۳) فن دادگاه و مدیریت:

یک دوره کامل در خصوص فن دادگاه و مدیریت در برنامه آینده آموزش قضایی گنجانده خواهد شد. نقش قضایی در حال حاضر دیگر به مدیریت دادگاه و برخی مراحل و دادرسی‌های اداری / حسابداری محدود نمی‌شود، بلکه اکنون فعالیت قضایی بخش پیچیده‌ای از حکومت‌مداری مدرن به شمار می‌آید. کالج ملی قضایی آمریکا که تحت کنترل و نظارت کانون وکلای آمریکا قرار دارد یک جلد کتاب

آموزشی به نام «کتابچه قضات»

در سال ۱۹۹۴ میلادی منتشر کرد.

این کتاب مجموعه‌ای از موضوعات

است که لازم است برای آموزش

قضایی تمام جهان مورد استفاده

قرار گیرد. کتاب با بحثی در مورد

ویژگی‌های زندگی یک قاضی

شروع می‌شود و در ادامه عوامل

ضروری قضاوت که عبارتند از

(الف) استماع (ب) یادداشت (ج) تصمیم‌گیری (د) مدیریت قضایی (ه) اعمال آزادی عمل قضایی (و) نظارت بر اتاق دادگاه را برمی‌شمرد.

بسیار معقولانه خواهد بود که آکادمی ملی قضایی کتاب مشابه دیگری در مورد مهارت‌ها و رفتارهایی که لازم است یک قاضی هندی برای موفقیت در حرفه خود و کسب محبوبیت در جامعه داشته باشد، منتشر نماید.

هیچ فردی با ظرفیت‌های شغلی متولد نمی‌شود و تمام ویژگی‌ها و مهارت‌های لازم را می‌توان با ایجاد انگیزه و کارآموزی مناسب به وجود آورد. زمانی بود که افراد نقش و وظیفه قضاوت را فقط بعد از بالغ شدن و کسب تجربه و حکمیت و استحکام شخصیت بر عهده می‌گرفتند. امروزه فارغ‌التحصیلان جوان رشته حقوق با تجربه اندک و یا حتی بدون تجربه در زندگی و در زمینه قانون، استخدام می‌شوند و پس از مدت کوتاهی آموزش شروع به کار می‌نمایند. در این شرایط، بسیار ضروری است که به کارآموزان داده‌های کارآموزی مناسب و کافی داده شود تا از ویژگی‌ها و مهارت‌های قضایی مطلع شوند و انگیزه پیدا نمایند که به استانداردهای رفتاری که از این شغل انتظار می‌رود دست یابند. به این ترتیب علت نیاز به دوره کامل فن دادگاه و مدیریت قضایی مشخص می‌شود. یک مقام مسئول به منظور توانایی فهم دادگاه به عنوان یک نهاد با نقاط ضعف و قوت، بایستی ویژگی‌های راس و قلب را که رهبر یک سازمان باید از آن برخوردار باشد، داشته باشد. با آنکه

دادگاه یک نهاد منحصر به فرد است، افراد، جریانات، فرم‌ها و استانداردهایی را در بر می‌گیرد که همواره با هم قابل مقایسه نیستند. علاوه بر آن، پرونده‌های عقب‌افتاده رو به افزایش و در نتیجه تأخیر در حل و فصل، افراد را فراری و گریزان خواهد نمود و به تدریج اعتماد آنان را به توانایی سیستم در ارائه عدالت ضعیف خواهد نمود. اگر از این چشم‌انداز نگاه نماییم، وظیفه مدیریت قضایی بسیار پیچیده‌تر و دشوارتر از گذشته خواهد بود.

جریانی که به وسیله یک سازمان اهداف خود را به دست می‌آورد آن چیزی است که مدیریت تماما در ارتباط با آن است. بنابراین، شروع کردن با اهداف سیستم قضایی به طور کلی و دادگاه‌ها به طور خاص خوب و مفید خواهد بود. از این رو، کارآموز می‌تواند به روش‌های موجود مدیریت پرونده‌ها، ارتباط آن با بهره‌برداری از نیروی انسانی، توزیع منابع، سیستم ثبت و غیره توجه نماید. کارآموز باید یک نگاه کلی به تشکیلات قضایی و یک نگاه ریزبینانه به هر بخش سیستم داشته باشد. مدیریت اطلاعات یکی از ابعاد

مهم است که لازم است در اینجا به طور مختصر و در درون‌نامه بعدی یعنی فن‌آوری و نوسازی بیشتر به آن پرداخت.

مدیریت زمان یکی دیگر از مهارت‌هایی است که باید فراگرفته شود. اهمیت نظارت و کنترل به موقع و مناسب آنچه درون و اطراف دادگاه اتفاق می‌افتد باید

ملکه ذهن تمام کارآموزان شود. مدیریت منابع انسانی یکی دیگر از ابعاد با اهمیت است که باید به آن پرداخت. در پایان آنکه مدیریت محاکمه واقعی در دادگاه نیاز به مهارت‌های مختلفی دارد که اگر قاضی قصد دارد فردی متخصص و حرفه‌ای باشد باید آنها را فراگیرد. تمام این مهارت‌ها و حتی بیشتر از آنها را می‌توان به وسیله بخش‌های مناسب در آکادمی‌ها و سپس با مشاهده و همکاری کارآموزان با قضات ارشد آموزش داد.

فن دادگاه مجموعه‌ای از مهارت‌ها و رفتارها را شامل می‌شود که فهرست نمودن آنها به صورت جامع و مبسوط دشوار است. با این همه، برخی ابعاد آن را می‌توان با بردن کارآموز جوان به خود محیطی که قاضی در دادگاه در آنجا قرار می‌گیرد و مشاهده نوع رفتار افراد باتجربه در وضعیت فشار عصبی و تعارض آموزش داد. اجتناب از سوگیری‌ها و تعصبات جنسیتی و ارائه منطقی از انسجام و تفاهم برای کنترل کارآمد و مفید دادگاه ضروری است. دقت تصمیم‌گیری سریع و عادلانه و قاطعیت از جمله رفتارهایی هستند که باید فراگرفته شوند و در مورد تمام اینها دروس تئوری و برنامه‌های عملی هر دو لازم هستند. در یک جامعه چندگانه مانند هند، قاضی باید نسبت به علایق اقلیت‌ها حساس باشد و در مورد زبانی که ارتباط اقلیت‌های مختلف با آن صورت می‌گیرد دقیق باشد.

در پایان باید گفت انشای رای هم هنر و هم علم است که باید فراگرفته شود و تا حد ممکن کامل

شود. مهارت‌های زبانی و ارتباطی در این خصوص لازم است. یادداشت‌برداری هوشمندانه در حین محاکمه و به شور و مشورت گذاشتن مسائل طی بحث، نکات مفیدی برای قوی نمودن قوه تعقل و سازماندهی افکار برای انشای یک رای معقول هستند. یافتن حقیقت جوهره ماجرا است.

استفاده از اختیارات برای سرزنش و تحقیر و همچنین مدیریت روابط عمومی در حال حاضر اهمیت یافته است و عاقلانه آن است که قاضی الگوها و محدودیت‌های چنین ابعدی را بداند، طی دادرسی، قاضی دادگاه ممکن است مجبور شود بر تعدادی اعضای متخصص دیگر از جمله پلیس، کارکنان سازمان‌های پیگیری، زندان، اصلاح و تربیت، هیات رئیسه، کانون وکلا و دست‌اندرکاران رسانه‌ها مدیریت نماید بنابراین عقل حکم می‌کند دانش لازم مربوط به آنها و حرفه آنها را نیز کسب نماید.

۶-۷-۱۳. (۳) (ه) مساعدت حقوقی، روش‌های

جایگزین حل و فصل دعوی و اداره قضایی:

تحولات دادرسی قضایی که به وسیله قانون مرجع خدمات حقوقی، قانون حکمیت و قانون مصالحه و قوانین محلی مشابه ایجاد شده‌اند از اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند. روش‌های روزافزون جایگزین رفع اختلاف به وسیله گروه‌ها در حال ایجاد هستند و باید به وسیله مقامات مسئول دادگاه‌ها مورد حمایت قرار گیرند و نهادینه شود. اگر روش‌های جایگزین حل و فصل دعوی به صورت خلاف‌خانه هماهنگ و منسجم شوند، می‌توانند اجرای عدالت را به کلی متحول سازند و روی هم انباشته‌شدن پرونده‌ها و تأخیر در رسیدگی به آنها که دو علت اصلی نارضایتی از سیستم هستند را کاهش دهند. بنابراین، کارآموزی قضایی باید توجه کافی به روش‌های جایگزین حل و فصل دعوی داشته باشد و قضات را به شکلی آماده سازد که به اهمیت آنها باور داشته باشند. مفهوم مساعدت حقوقی را نمی‌توان به جایی که یک حقوق‌دان یا وکیل نماینده طبقه ضعیف قرار گیرد اطلاق نمود. بلکه مساعدت حقوقی به رفع اختلافات از طریق آموزش همگانی حقوق، دادخواهی منافع عامه، اصلاح قانون و دادن ظاهر انسانی به سیستم را در بر می‌گیرد. در تمام این ابعاد، قاضی باید احساس همدردی و درک داشته باشد تا دستیابی بیشتر به اقتدار ضعیف و محروم جامعه را فراهم آورد.

اداره قضایی عبارت است از برخورداری از دانش کلی در خصوص سیستم‌های اداری، بودجه‌ای و حسابداری مربوط به دادگاه‌ها که مقامات مسئول، مسئولیت و اجرای آن را بر عهده دارند. اجرای قضایی، نظارت و کنترل تادیبی بر کارکنان و پاسخگویی به دادگاه‌های عالی را شامل می‌شود. قانون مربوط به امور خدمت‌گزاری باید به قاضی آموزش داده شود. اداره کردن با مدیریت فرق دارد و قاضی باید تفاوت‌ها، تأثیرات و نتایج این دو را بشناسد.

* واحد ترجمه دفتر کل برنامه‌ریزی و تدوین متون آموزشی قوه قضائیه